

شماره ۷۹ - ۱۴۰۱

ماهنامه

جامعه و فرهنگ قرقیزستان

ویژه نامه موضوعی
نگاهی اجمالی به آداب و رسوم، حماسه ها،
بازی های محلی و جاذبه های گردشگری
مردم قرقیزستان

رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در قرقیزستان



رایزنی فرهنگی
سفارت جمهوری اسلامی ایران در قرقیزستان

شماره ۵۹۵ ص ۱۴۰۱

ماهنامه جامعه و فرهنگ قرقیزستان

مدیرمسئول و سروراستار: محمود خدمتگزار
گردآوری و ترجمه مطالب: جاوید میرزایف
طراحی و صفحه آرایی: عثمان ناززولایف

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.
درج مطالب در این نشریه الزاماً به معنی تأیید تام و تمام محتوای آنها نیست.



قرقیزستان، بیشکک، خیابان عشق آباد، شماره ۲۵



+۹۹۶۳۱۲۹۰۳۷۹۹



raizani.ir.kg@mail.ru



https://t.me/iran_culture_kyrgyzstan



https://www.instagram.com/iran_culture_kyrgyzstan/



<https://www.facebook.com/profile.php?id=100083784185016>



https://www.youtube.com/channel/UCprdXoZpYgFENpOI_3Kmdlg



<http://bishkek.icro.ir/>

فهرست مطالب این شماره:

جاذبه های قرقیزستان: ۳۱

- ۳۲..... - استان چوی
- ۳۲..... شهر بیشکک
- ۳۴..... آتا بیت
- ۳۵..... - استان تالاس
- ۳۵..... شهر تالاس
- ۳۶..... گنبد ماناس
- ۳۷..... - استان نارین
- ۳۷..... شهر نارین
- ۳۸..... تاش رباط
- ۳۸..... سون کول
- ۳۹..... قوشوی قرغان
- ۳۹..... چاتیر کول

- ۴۰..... - استان اسپیک کول
- ۴۰..... اینیلچک
- ۴۱..... نیلوفر مقدس
- ۴۱..... بارسکوون

- ۴۲..... - استان اوش
- ۴۲..... اوش
- ۴۳..... سلیمان نوو
- ۴۴..... اوزگن

- ۴۵..... - استان جلال آباد
- ۴۵..... جلال آباد
- ۴۶..... ارسلان باب
- ۴۷..... ساری چلک

قرقیزهای باستان: ۵

- ۶..... - نام و اقوام قرقیز
- ۷..... - خاستگاه قوم قرقیز
- ۸..... - فرهنگ
- ۹..... - کشورداری
- ۱۰..... - زیستگاه
- ۱۱..... - اعتقادات
- ۱۲..... - بازی های محلی

جمهوری قرقیزستان: ۱۲

- ۱۴..... - ظرفیت های گردشگری

آداب و رسوم:

- ۱۷..... - سنت های مرتبط با کودکان
- ۱۸..... - آئین های ازدواج در قرقیزستان
- ۲۰..... - سنت های تشییع جنازه

حماسه ها: ۲۱

- ۲۲..... - کوجو جاش
- ۲۲..... - ار توشتوک
- ۲۳..... - قورمان بیک
- ۲۳..... - جانیش و بایش
- ۲۳..... - ار تابیلدی
- ۲۳..... - ماناس

بازی های محلی: ۲۵

- ۲۶..... - آلیش
- ۲۶..... - سالبوورون
- ۲۷..... - اردو
- ۲۸..... - ار انیش
- ۲۹..... - آت چابیش
- ۲۹..... - توغوز قورغوول
- ۳۰..... - کوک بورو (بزکشی)

درباره ماهنامه «جامعه و فرهنگ قرقیزستان»

شناخت و درک صحیح جامعه و فرهنگ کشورهای دیگر به ویژه کشورهای همسایه و پیرامون، پایه و اساس برقراری و توسعه روابط فرهنگی با آنهاست و بدون این شناخت، سیاست گذاری، برنامه ریزی و فعالیت فرهنگی بین المللی و منطقه ای اعتبار و اثربخشی مناسبی نخواهد داشت. توسعه صحیح روابط فرهنگی ایران و منطقه آسیای مرکزی (در اینجا قرقیزستان) نیز مستلزم دستیابی به درکی درست و مبتنی بر واقعیات عینی از جامعه و فرهنگ امروز این کشورها و مردمانی است که در این منطقه زندگی می کنند.

ارائه تصویری روشن و مبتنی بر عینیات از جامعه و فرهنگ آسیای مرکزی و تحولات، سیاست ها، برنامه ها و اقدامات مهم این کشورها در حوزه جامعه و فرهنگ می تواند ضمن کمک به تأمین اشراف خبری - اطلاعاتی نظام به مسائل و تحولات دینی فرهنگی منطقه و محیط بین الملل، مراکز و نهادهای تصمیم گیر در داخل کشور را در اتخاذ سیاست ها و راهبردهای بلندمدت و کوتاه مدت فرهنگی و تنظیم روابط فرهنگی بر اساس مختصات هر یک از کشورهای منطقه یاری نماید.

رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا.ایران در جمهوری قرقیزستان در نسل چهارم مدیریتی خود (از فروردین سال ۱۳۹۸) با درک این مسئله و با وقوف بر اهمیت اطلاع رسانی درست و به موقع از تحولات و رویدادهای فرهنگی اجتماعی منطقه، تهیه و انتشار دوهفته نامه الکترونیکی «جامعه و فرهنگ قرقیزستان» را از جمله یکی از برنامه های ثابت خود قرار داده است، که از اواخر سال ۱۴۰۰ به صورت ماهنامه چاپ و نشر می شود.

در سال چهارم (۱۴۰۱) انتشار این نشریه تلاش می شود محتوا و نیز کیفیت طراحی و صفحه آرایی آن همچون گذشته مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. حفظ و استمرار روند شکل گرفته و نهادینه شده برای تهیه و انتشار این نشریه و تنوع و غنی بخشیدن به محتوای آن، در طول این سال ها به عنوان یک سیاست و خط مشی کلی از سوی نمایندگی فرهنگی دنبال شده است.

امیدوار هستیم خوانندگان مطالب این ماهنامه با ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات ما را در ارتقای کیفیت و محتوای مطالب یاری نمایند.

محمود خدمتگزار

سرپرست رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران

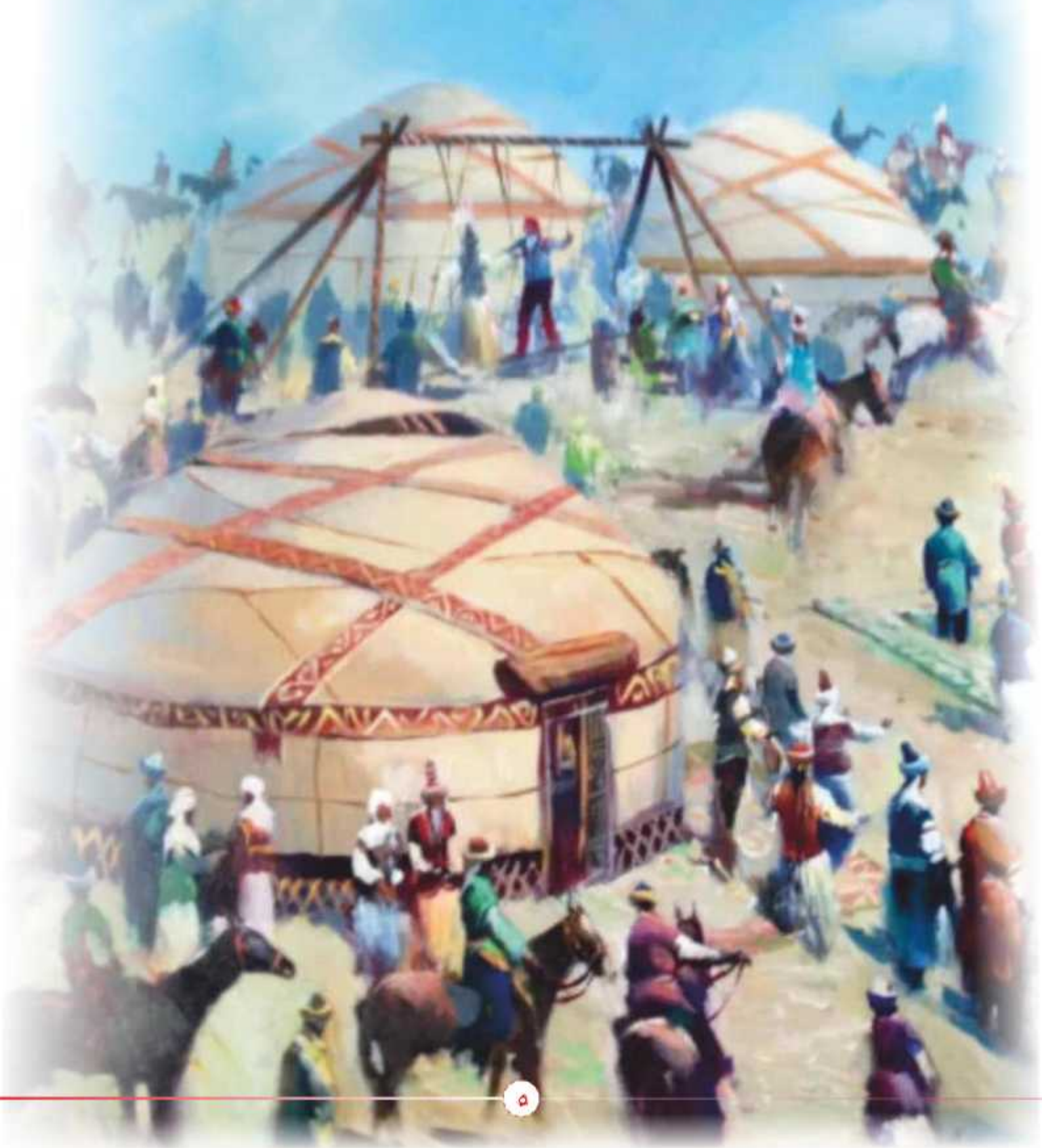
بیشکک - قرقیزستان



قرقیزهای باستان

قرقیزها یکی از اقوام باستانی آسیای مرکزی هستند.

نام قوم «قرقیز» چگونه به وجود آمد؟ خاستگاه، کشورداری، فرهنگ، خط، دین، بازی های ورزشی...





نام قوم قرقیز:

فولکلور چندین گزینه برای منشأ نام این قوم ارائه می دهد. به عنوان مثال - به گفته یکی از آنها، نام «قرقیز» از ترکیب واژه های «قیرق» («چهل») و «قیز» («دختر») به وجود آمده است، یعنی قرقیزها قومی هستند که از ۴۰ دختر به وجود آمده اند. همچنین در روایتی دیگر نام این قوم ترکیبی از واژه های «قیرق» و «اوغوز» است، یعنی ترکیبی از چهل طایفه از قبیله اوغوز. روایت سوم نیز وجود دارد که می گوید نام اصلی قوم قرقیز، ترکیبی از واژه های «قیر» («کوه») و «اوغوز» است، یعنی قبایل - کوهستانی. این روایت در افسانه های مربوط به اوغوز خان در اثر ابوالغازی بهادرخان مورخ قرون وسطایی بیان شده است. بر اساس - شجره نامه او، نوه اوغوز خان قرقیز خوانده می شد. اما بر اساس - افسانه سیف الدین اخسیکندی درباره قرقیزهای فرغانه، قرقیزها نوادگان چهل - اوغوز از اوزگن هستند، سپاهیان که از لشکر سلطان سنجر سلجوقی (قرن دوازدهم میلادی) به خجند گریختند.





بر اساس پژوهش‌های تاریخی صورت گرفته توسط برخی مورخان مانند واسیلی رادلوف واژه «قرقیز» را به «قیرق» و «بوز» («چهل-صد») تقسیم می‌کند. احمد زکی ولیدی توگان می‌گوید که اصل «قرقیز» - «قیرق» «ار» («چهل-مرد») است. دانیل آیتموراتوف تفسیر «قیرا» و «غیز» («مردم موسیاه») را ترجیح می‌دهد (هرچند طبق روایت‌های تاریخی، قرقیزها، قومی مو قرمز و چشم آبی بودند)؛ کنستانتین پتروف «رنگ آمیزی» متفاوتی را ترجیح می‌دهد و «قرقیز» را به «قیرغ» («قرمز») و پسوند جمع «یز» تقسیم می‌کند. دانشمندان دیگر نیز بر رنگ قرمز اجماع دارند. به گفته نیکولای باسکا کوف، «قرقیز» همان «قیرغ اوغوز» - طوایف قرمز، یعنی جنوبی هستند و به گفته آندری کونونوف - «قیرقین» («سرخ رنگ»)، یعنی دقیقاً نمایندگان همان زیست‌گروه (ژنوتیپی) بودند که در اسناد تاریخی موجود است، مردم چشم آبی، بلوند و سرخ پوست. در زمان‌های قدیم، نشانه‌های خاص نژاد قفقازی اغلب در میان قرقیزهای ترک تبار قابل مشاهدۀ بود.



خاستگاه قوم قرقیز:

در دوران باستان، قرقیزها در انسای (Enesay) (دره رودخانه پنیسی (Yenisey) در جنوب سیبری) زندگی می‌کردند. انسای در تعدادی از افسانه‌ها ذکر شده که اصلی‌ترین آنها داستان مادر گوزن است. بر اساس افسانه‌های موجود، آخرین فرزندان مردم قرقیز را یک گوزن ماده از مرگ حتمی نجات داد، سپس آنها را به سرزمینی حاصلخیز - به سواحل دریاچه ایسیک کول - آورد. افسانه مشابهی درباره گوزنی که دو نوزاد را نجات داد در ژاپن نیز وجود دارد. در شهر نارا، گوزن به عنوان حیوان مقدس مورد احترام است. افزون بر این، در شمال غربی مغولستان، منطقه‌ای که دریاچه خیارتگاس نور در آن قرار دارد (به مغولی «دریاچه قرقیزی»)، خاستگاه یا یکی از زیستگاه‌های قرقیزها در گذشته نامیده می‌شد.



مورخان مدرن از این ایده دفاع می کنند که زیستگاه قرقیزهای باستان در قرون سوم تا اول قبل از میلاد، منطقه تنگیرتوو شرقی (گستره کوهستانی و دره ای در منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ فعلی چین) بوده که قرقیزهای باستانی در دره رودخانه ماناس در دامنه شمالی رشته کوه بوروهورو زندگی می کردند.

در طول تاریخ، هون ها، ووسون ها، دینلین ها، تخارها، هان ها و سایر اقوام با قرقیزهای باستان همزیستی داشتند.



فرهنگ:

به دلیل ایدئولوژی نیهیلیسم اجتماعی شوروی، این تصور نادرست در اذهان شکل گرفت که فرهنگ مدرن تنها با ظهور کشور روسیه به قرقیزها رسید. قرقیزها اقوامی بودند که به امر دامداری، کشاورزی و صنایع دستی نیز اشتغال داشتند و در حوزه متالورژی هم کار می کردند. ردپای از خط رونی و هنرهای تجسمی مردم قرقیز و ترک را می توان در سواحل پنیسی، در مغولستان، آلتای، در کوه های تنگیرتوو و سایر مناطق آسیای مرکزی یافت. بخشی از قرقیزها در قرون وسطی از خط های اویغوری و مغولی و حروف چینی نیز استفاده می کردند و از قرن دهم تا امروز استفاده از خط عربی به عنوان یکی از اشکال خط در این کشور رواج دارد. در سال های ۱۹۴۰-۱۹۲۸ قرقیزها از الفبای لاتین استفاده می کردند و از سال ۱۹۴۰ بخشی از قرقیزهای آسیای مرکزی از الفبای سیریلیک استفاده می کنند.



کشورداری:

در سال ۲۰۰۲، سازمان ملل متحد و یونسکو دوهزار و دوستمین سالگرد تشکیل-کشورداری قرقیزها را به طور رسمی جشن گرفتند. در کتاب «شیجی» سیمایان تاریخ نگار چینی باستان نقل شده که سرزمین های دولت باستان قرقیز توسط امپراتوری کوچ نشین شیونگنو در سال های ۲۰۲-۲۰۱ قبل از میلاد فتح شد و قرقیزها در بسیاری از رویدادهای تاریخی در آسیای داخلی و مرکزی به عنوان بخشی از ارتش شیونگنو حضور داشتند. دولت مستقل قرقیزها، اگرچه فقط برای مدت کوتاهی، در سال ۵۶ قبل از میلاد احیا شد و همانطور که مورخ چینی «بان گو» می نویسد، دولت شیونگنو تضعیف شد و قرقیزها دقیقاً در آن زمان به احیای حاکمیت خود دست یافتند.



زیستگاه:

در نیمه اول هزاره اول پس از میلاد، زیستگاه اصلی قرقیزها منطقه تنگیرتو شرقی بود. بخشی از دینلین ها به تدریج با قرقیزها همسو و جزء این قوم شدند. در قرن پنجم قرقیزهای باستان همراه با ترکان تنگیرتو شرقی با روران مخالفت کردند و در نتیجه شکست خوردند. ترک ها مجبور به مهاجرت به آلتای شدند و قرقیزها به ینیس-مهاجرت کردند. در همان زمان افسانه ای در مورد ماده گرگ به وجود می آید که گویا نای ترکان آلتای و قرقیزهای ینیسیی بوده است. ایتالیایی ها هم افسانه مشابهی درباره برادران رموس و رومولوس-و پیدایش روم، مجارها و بسیاری از اقوام دیگر در این زمینه دارند.



در پنیسی، قرقیزها دولت خود را در قالب خاقانات قرقیز بازسازی کردند. این دولت روابط نزدیک سیاسی و تجاری با چین، تبت، دولت تورگش و قرق و خلفای عرب داشت. بین سال‌های ۹۲۵-۸۴۰ این خاقانات مناطق وسیعی از آسیای داخلی و مرکزی را در مجاورت تنگیرتوو مرکزی فتح کرد. واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (ترک شناس و ایرانشناس-نامور روسی) این دوره را «اقتدار قرقیزها» و بولی خودیاکوف، باستان شناس روسی آن را «بهترین دوران» تاریخ قرون وسطای قرقیزها نامیده اند. در آن برهه تاریخی، قرقیزها در مناطقی از تنگیرتوو، مغولستان و پنیسی ساکن شدند و با بسیاری از اقوام عشایری آسیای داخلی و مرکزی در تماس بودند و این عامل سبب درک متقابل آنها از فرهنگ، سنن، و آداب و رسوم یکدیگر شد.



با افزایش حضور قرقیزها در منطقه تنگیرتوو در قرن بیستم آنها موفق به ایجاد دولت قدرتمند در آن ناحیه شدند. در سال ۲۰۱۴ قرقیزستان مستقل به طور رسمی نودمین سالگرد تشکیل استان خودمختار قارا-قرقیز در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی را جشن گرفت. این استان نخست در سال ۱۹۲۶ به جمهوری خودمختار قرقیزستان سپس در سال ۱۹۳۶ به جمهوری شوروی قرقیزستان و سرانجام در ۳۱ اوت ۱۹۹۱ استقلال خود را اعلام کرد. امسال در کشور چین شصتمین سالگرد تشکیل یکی از مناطق خودمختار قرقیز به نام «قیزیل سووی» که مرکز آن شهر آرئیش در استان سین کیانگ چین قرار دارد جشن گرفته می شود.



اعتقادات:

شیر (آرستان)، آهو (یوگو)، گوزن (باغیش)، گرگ (بورو)، پلنگ برفی (بارس)، خرس - (آدیگ، آبو) و برخی گونه‌های دیگر جانوری برای قرقیزهای باستان مقدس (توتم) بودند. علاوه بر این، آنها تنگری (خدای آسمان)، اجرام آسمانی (ماه و ستاره‌ها) و همچنین آتش را می‌پرستیدند. از قرن دهم، زمانی که بخش غربی قرقیزها در مدار خاقانات قراخانی فرار گرفتند، آنها دین اسلام را پذیرفتند. پس از گرویدن آنها به دین اسلام، مکتب حنفی که از قرنهای ۹ و ۱۰ وارد منطقه آسیای مرکزی شد، امروز یکی از گسترده‌ترین مکاتب اسلام اهل سنت در این کشور محسوب می‌شود.

گروه‌های شرقی قرقیزها در مدار شمنیسم، بودیسم و سایر باورهای مذهبی باقی ماندند. نوادگان شمالی و شرقی قرقیزهای باستان، یعنی خاکاس - ها، بخشی از تووایی ها، آلتایی ها و قرقیزهای فویو در منچوری (شمال چین) شمنیست باقی ماندند. بخش دیگری از تووایی ها و قالمیق - قرقیزی ها در تارباگاتای بودایی لامائیست شدند. بخش اصلی قرقیزهای مدرن، پیرو اسلام هستند. اگرچه در میان آنها مسیحیان، ملحدان و کسانی که خود را پیرو تنگراینیسم (دین ترک‌ها) می‌دانند نیز وجود دارند. قرقیزهای منطقه باشقیرستان و قرقیزهایی که در میان سایر اقوام ترک مسلمان (قزاق‌ها، ازبک‌ها، قره‌قالباق‌ها، نوایی‌ها و دیگران) ادغام شدند، با گذشت زمان به دین اسلام گرویدند.





بازی های محلی:

از زمان های قدیم قرقیزها بخشی از تمدن عشایری اوراسیا بوده اند، جایی که بازی های ورزشی عامیانه با هنرهای رزمی، اسب سواری، سنت های شکار، تیراندازی با کمان، کشتی و بازی های ذهنی مانند «وَرْدو»، «توغوز قورغول»، «چاتیراش» (شطرنج) و «دوینو» (چکرز) مرتبط بوده است.

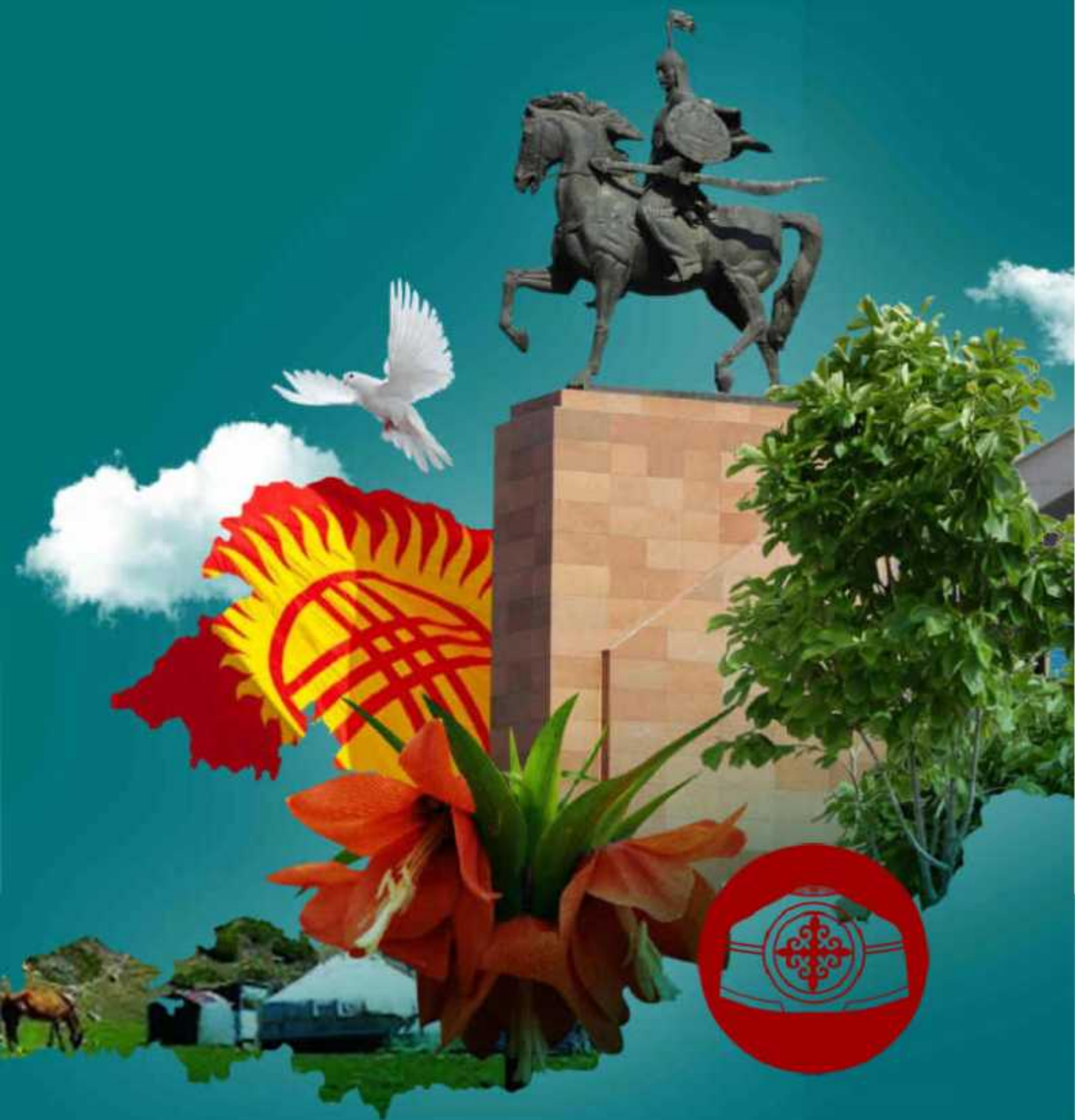
اغلب این بازی ها در مقیاس بین المللی سازماندهی می شد و قرقیزها و سایر اقوام ترک و مغول با برگزاری مسابقات ورزشی از رقبای سایر کشورهای همسایه دعوت می کردند تا در این مسابقات شرکت کنند. این واقعیت در حماسه قهرمانانه «ماناس» در قسمت مربوط به جشن به افتخار مرحوم کوکوتوی خان به خوبی به تصویر کشیده شده است.

منبع:

<http://worldnomadgames.com/ru/page/O-kyrgyzakh/>



جمهوری قرقیزستان





جمهوری قرقیزستان در شمال شرقی آسیای مرکزی و در قلب قاره اوراسیا واقع شده و حدود ۹۰ درصد از خاک قرقیزستان در ارتفاع بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. شایان ذکر است که بیشتر قلمرو قرقیزستان، منطقه کوهستانی است و به همین دلیل - این کشور یکی از مکانهای مورد علاقه کوهنوردان در سراسر جهان است و برای فاتحان قلهها، این کشور آسیای مرکزی یک بهشت واقعی است.

ظرفیت های گردشگری:

- این کشور ظرفیت گردشگری بالایی دارد که شامل موارد زیر است:
- ۲۲ اکوسیستم متنوع.
- ۱۶۰ نوع مناظر کوهستانی و دشتی. ۹۴ درصد قلمرو کشور را کوه ها تشکیل می دهند که معروف ترین آنها عبارتند از: قله پوبدا (۷۴۳۹ متر)، قله لنین (۷۱۳۴ متر) و قله خان تنگری با ارتفاع (۶۹۹۵ متر). انیلچک به عنوان یکی از طولانی ترین یخچال های طبیعی نیز یک جاذبه جهانی به شمار می رود.
- ۱۹۲۳ دریاچه زیبا، که اصلی ترین آنها دریاچه ایسپیک کول - یکی از بزرگترین و عمیق ترین دریاچه های کوهستانی در جهان است.
- بیش از ۴۰ هزار رود و جوی که منبع اصلی آب آنها ذوب شدن یخچال های طبیعی است.
- قرقیزستان از نظر مساحت کشور کوچکی است، اما یکی از ۲۰۰ منطقه اکولوژیکی اولویت دار کره زمین می باشد. این کشور دارای مناطق طبیعی حفاظت شده است که ۶ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص می دهد و شامل ۱ ذخیره گاه زیست کره، ۱۰ ذخیره گاه طبیعی، ۹ پارک ملی و ۶۸ پناهگاه حیات وحش است.
- قرقیزستان در امتداد جاده ابریشم باستانی قرار دارد که در طول آن ۵۸۳ اثر تاریخی و فرهنگی و سازه های باستانی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: نواکت، سویاب، بلاساغون، کوه مقدس سلیمان نوو که شهرت جهانی دارند و در فهرست یونسکو ثبت شده اند. قلمرو این کشور یکی از قدیمی ترین مراکز تمدن بشری است. قرقیزها، قومی بودند که از هزاره اول - قبل - از میلاد در آسیای مرکزی شناخته شده بودند، هویت و فرهنگ خود را در طول - قرن ها تا به امروز حفظ کرده اند. برخی اشیای میراث فرهنگی ناملموس - مانند حماسه «ماناس»، معماری سنتی، عشایر «یورت»، انواع فرش نمادی «شیرداک» و «آلا قییز» در فهرست یونسکو قرار دارند.



در قلمرو قرقیزستان مقاصد گردشگری فراوانی وجود دارند، از این رو این کشور در آینده به عنوان یکی از مقاصد گردشگری بین‌المللی تبدیل می‌شود. لازم به ذکر است که بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، گردشگران بین‌المللی علاقه مند به تورهای گردشگری در مسیر جاده ابریشم ۲۷ درصد از کل گردشگران را تشکیل می‌دهند.

منبع:

<http://worldnomadgames.com/ru/page/O-strane/>



آداب و رسوم





سنت های مرتبط با کودکان:

فرزندان از آغاز کودکی کمک و پشتیبان والدین خود هستند و در زندگی روزمره به آنها کمک می کردند. اگر بچه سرکش بود، نام او را تغییر می دادند تا «شیاطین» او را فریب دهند. مثلاً در کتاب «کیچان» آمده است که یک روحانی یک کودک را بسیار سرکش و فرمان ناپذیر دانست و لذا توصیه کرد که نام او را به کلمه توهین آمیز «کیچان» تغییر دهند تا که شیاطین، دیگر کاری به کار او نداشته باشند تا اینکه او اهل و فرمان بردار شود. اگر کودکی را به نام شخص بزرگی مثلاً ماناس یا جینگیز نامگذاری می کردند به امراض گوناگون مبتلا می شد. اعتقاد بر این بود که دلیل اصلی ابتلا کودک به بیماری ها به دلیل اسمی است که والدین برای کودک انتخاب کردند. آنگاه والدین، او را به گونه ای دیگر، قاعدتاً شیرین و لطیف صدا می کردند و تنها وقتی که بزرگ می شد، او را با نامی که در بدو تولد به او داده بودند، می خواندند. در بدو تولد به نوزاد یک تعویذی با دعایی که در پارچه ای نوشته شده بود به بچه سنجاق می کردند تا که در تمام زندگی از صاحب خود محافظت کند.

طبق آئین و رسوم، اولین غذای نوزاد، روغن زرد بود که پس از صرف آن اولین پیراهن را به او می پوشانیدند. قاعدتاً این پیراهن از پارچه ای سفید که از لباس پیرمرد یا پیرزنی محترم و دارای چند فرزند گرفته شده بود، دوخته می شد. به مناسبت تولد نوزاد همیشه «سویونچو» (مژدگانی) به آورنده خبر خوش و روبینان «کوروندوک» (روبینان) به مادر برای دیدن نوزاد می دادند پس از مدتی، یک جشن خانوادگی «جنتک» و یا «بشیک توی» برگزار می شد که در آن همه اقوام جمع می شدند و نامی برای کودک انتخاب می کنند. امروزه، والدین ترجیح می دهند نام کودک را خودشان بگذارند یا به نظر والدین گوش دهند و جشن خانوادگی صرفاً برای نشان دادن کودک به سایر بستگان برگزار می شود. هنگامی که کودک شروع به راه رفتن می کند، جشن «توشو توی» برگزار می شود که ویژگی اصلی آن دویدن است. بستگان به سمت کودکی که پاهایش را با روبان یا ریسمن بسته اند، می دوند و آن را می برند. روبان یا ریسمن، نماد موانعی است که باعث سقوط کودک می شود. اعتقاد بر این است که پس از برگزاری چنین جشنی کودک یاد می گیرد سریعتر راه برود و دیگر بر زمین نیفتد. پسران در سنین سه، تا هفت سالگی طبق سنت خخته می شوند. برای دختران انتقال از کودکی به نوجوانی در مقایسه با پسران با مشکلات کمتری همراه بود. دختران تا سن ده سالگی بافت موی آنها به شکل دوتایی بود. پس از رسیدن به سن بلوغ موی آنها را به شیوه چهل گیس می بافتند. پس از این، دختر نوجوان باید رفتار متواضعانه می داشت و آداب خاصی را رعایت می کرد.

آیین‌های ازدواج

در قرقیزستان:

مراسم ازدواج در قرقیزستان با رعایت آداب و رسوم اجدادی و بجای آوردن سنت‌های خاص برگزار می‌شود. والدین عروس و داماد یکدیگر را «قودا» صدا می‌کنند و رابطه‌ای خیلی صمیمانه‌ای دارند. در میان قرقیزهای عشایری، مراسم خواستگاری اغلب در دوران نوزادی برگزار می‌شود، اما امروزه چنین رسمی منسوخ شده است. در زمان‌های قدیم مثلاً بهترین دوستان به یکدیگر قول می‌دادند که فرزندان آینده آنها با هم ازدواج خواهند کرد. در حین عقد نکاح یا خواستگاری به گوش تازه عروس گوشواره اویزان می‌کنند. بسیاری‌ها از خانواده‌ها در این کشور طبق قوانین اسلام مراسم ازدواج را برگزار می‌کنند. جشن عروسی تقریباً همیشه رویداد جذاب و پرهزینه برای مردمان این خطه است. در روز آمدن داماد به نزد عروس - جشن عروسی برگزار می‌شود که به آن «فیز اوزاتو» می‌گویند. در آستانه این جشن، نو عروس - با همه اقوام و دوستان خود خداحافظی می‌کند و یک جشن مجردي برای دوستان نزدیک و صمیمی خود برگزار می‌کند. این جشن با بازی و اجرای موسیقی همراه است. بدرقه تازه عروس - و ورود او به خانه داماد نیز با این گونه آیین‌ها عجیب است.





بستگان و همسایه های عروس یک کمند سر راه همراهان داماد می کشند و والدین او باید به آنها هدایای کوچک بدهند تا راه را باز کنند. در خانه عروس مراسم خاصی برگزار می شد که در آن زن خاصی کیسه های هدایا را باز و لباس های گران قیمت به پدر و مادر عروس و نزدیک ترین اقوامشان تقدیم می کرد. همچنین مراسم تقدیم مهریه به عروس هم وجود داشت که ارزش آن قیمت یک راس گاو بود. ساعات قبل از شروع مراسم، بستگان عروس رسم «چاچ اورو» را ترتیب می دادند که در آن گیس دخترانه (نوعروس) را باز می کردند و برایش گیس زنانه می بافتند. سپس عروس را با لباس عروسی به والدین داماد نشان می دادند و برای این کارشان از آنها هدایا دریافت می کردند. این مراسم «جوز کوروشو» نام داشت. مراسم بدرقه عروس به خانه داماد با رسم «کوشوک آیتو» و با گریه های بلند زنان همراه بود. آنها به این خاطر گریه می کردند که پس از ازدواج، عروس از خانواده خودش جدا و عضو یک خانواده دیگر می شد.



به محض ورود به خانه داماد، به سر عروس به جای روسری «شوکولو» که خاص دختران مجرد است، نوعی روسری «الچک» که خاص زنان متأهل است، به سر می کردند. و سپس- آیین های «وئکو قرقیزو» (تقدیم به آتش-)، «تیکه قیو» (نکاح)، «کلین کورو» (روبینان عروس)، «اوپکول آتا و اوکول انه» (انتخاب مرد و زن سالمند و محترم به جای والدین عروس- که به خانه داماد نمی آیند) و غیره برپا می شد. در ادامه برخی از آداب و رسومات، از جمله منع صدا زدن اقوام همسر به اسم کوچک، پشت به آنها کردن، دراز کردن پا هنگام نشستن، تند و بلند صحبت کردن، با سر یا پای برهنه راه رفتن، مشاجره یا بحث با اقوام شوهر به نو عروس- گوشزد می شد. طبق آداب و رسوم، عروس یک سال پس- از ازدواج به خانه پدر و مادر خود می رفت و چند روز یا ماه در آنجا می ماند. این رسم «تورکولو» نام داشت. پدر و مادر عروس «سپ» (جهیزیه) تهیه می کردند که در روز عروسی به داماد تقدیم می شد. این جهیزیه شامل- همه چیزهایی بود که برای شروع زندگی زوج جوان لازم بود. ضمناً ارزش- جهیزیه نباید کمتر از مهریه باشد. مهریه و جهیزیه هنوز هم در سنت های ازدواج در قرقیزستان وجود دارند، البته به شکل جدیدی.

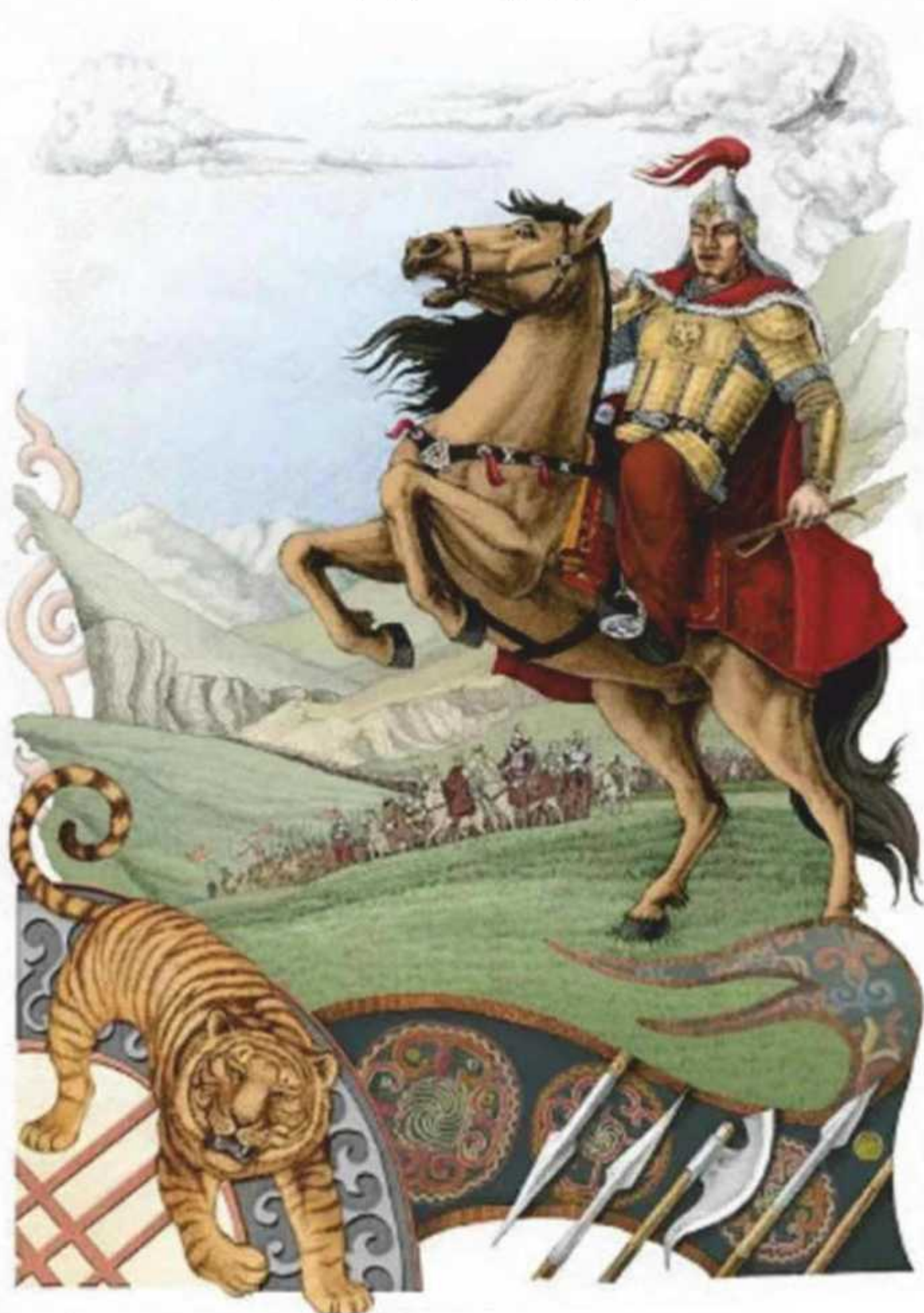
سنت های تشییع جنازه:

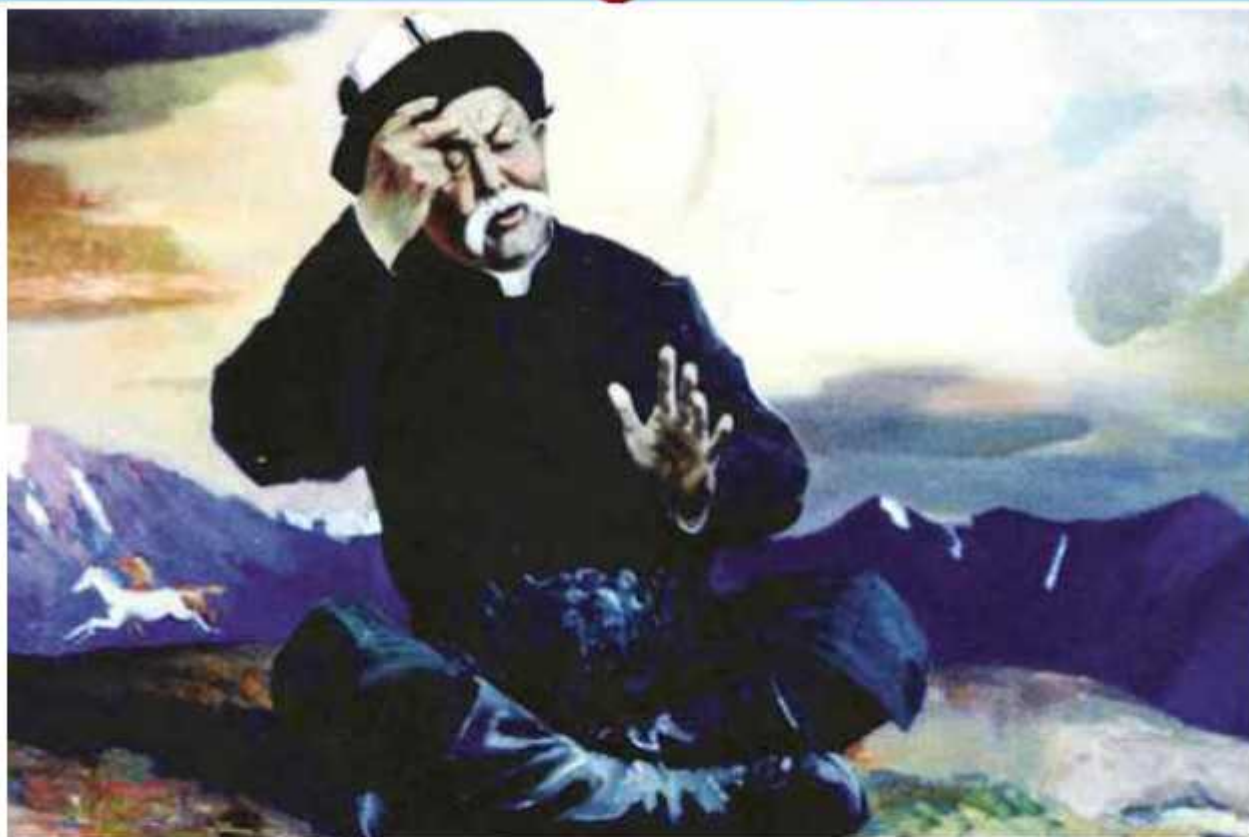
زمانی که یک قرقیز از دنیا می رفت در حیاط خانه او یک یورت نصب و بالای آن بسنه به سن متوفی پرچمی با رنگ خاصی برافراشته می شود- رنگ فرمز برای جوانان، مشکی برای میانسالان و سفید برای افراد مسن. در گذشته فقط زنان اجازه داشتند در داخل- یورت با پیکر متوفی بمانند، زیرا با صدای بلند نوحه خوانی می کردند. در این میان هر کدام از بستگان مسئولیت کاری را بر عهده می گرفت. بدین ترتیب نظم و امنیت کامل شرکت کنندگان در مراسم تشییع جنازه تضمین می شد. همه بستگان متوفی موظف بودند که در مراسم خاکسپاری شرکت کنند. این ادای احترام به مرحوم بود و هیچ عذری مبنی بر عدم شرکت در مراسم تشییع جنازه متوفی پذیرفتنی نبود. تامین هزینه های مراسم کفن و دفن بر عهده اقوام و بستگان نزدیک، پدران و مادران، دامادها و عروس های وی بود. هر یک از شرکت کنندگان حتماً مقدار معینی از احشام با خود می آوردند تا اینکه صاحب عزا دغدغه پذیرایی و اطعام میهمانان را نداشته باشد.

منبع:

<http://worldnomadgames.com/ru/page/Traditsii/>

حماسه ها





در طول تاریخ حماسه های قرقیزها سینه به سینه منتقل می شد و حماسه سرایان، متون خیلی حجیم را بازگو می کردند. به حماسه سرایانی که شاهکارهای ماناس و پسر و نوه اش را می سرایند، ماناسچی می گویند. اینها افراد خاصی هستند که داستان های حماسه بزرگ را حفظ هستند. اگرچه حماسه «ماناس» معتبرترین حماسه کشور قرقیزستان محسوب می شود، اما در فرهنگ عامه مردم قرقیز آثار حماسی دیگری نیز وجود دارند که به توضیح آن پرداخته می شود.

کوجو جاش:

حماسه «کوجو جاش» یکی از قدیمی ترین حماسه های قرقیزی است که در دوران پیشا تاریخ خلق شده است. در این حماسه، مانند حماسه «ار توشتوک» که در همان زمان ایجاد شده است، اعتقاد مردم قرقیز به توتم پرستی منعکس شده است. این اثر مملو از موجودات اساطیری است که قهرمان تنها با آنها مبارزه و از منافع خانواده و قبیله خود دفاع می کند و این تفاوت اصلی بین حماسه های اولیه مانند «کوجو جاش» و «ار توشتوک» با مثلاً «ماناس» است. دشمنان کوجو جاش - و ار توشتوک هیولاهای دنیای زیرین و موجودات طبیعت هستند و دشمنان ماناس بیگانگانی هستند که سرزمین مادری را تهدید می کنند. کوجو جاش یک شکارچی بود که آرزوی شکار یک بز کوهی ماده فوق العاده زیبا را در سر می پروراند که البته به طوری که گفته شده الهه جنگل بوده است او آنقدر شکارچی ماهر بود که پس از یک زمستان طولانی توانست قبیله خود را از گرسنگی نجات دهد و هم قبیله های او آنقدر به قدرت او ایمان آوردند که از خوردن گوشت حیوانات اهلی دست کشیدند و معتقد بودند که کوجو جاش - همیشه صیدی با خود خواهد آورد. بدین ترتیب رابطه آنها با طبیعت مصرف گرایانه شد و طبیعت چنین رفتاری را بر نمی تابد بز کوهی ماده مادر بارور بزهای بی شمار بود که اجازه می داد که برخی از آنها تنها برای رزق و روزی معقول و نه مصرف زیاد شکار شوند. به محض اینکه کسی از حد معقول عبور می کرد، حتماً مجازات می شد. به این خاطر شکارچی ماهر که تقریباً همه فرزندان بز کوهی الهی را می کشد، به صورت نلخ و وحشتناک از بین می رود، اما خود بز کوهی را نمی تواند بگیرد. این حماسه به انسان یادآوری می کند که باید با طبیعت با دقت و احترام رفتار کرد.

ار توشتوک:

ار توشتوک قهرمانی است که تصویر او را می توان در حماسه های بسیاری از مردمان دیگر یافت. او به عالم اموات نزل - می کند تا روح افراد نزدیک به او را که در آنجا اسیر شده اند، آزاد کند. او در تلاش برای رسیدن به هدف، باید با موجودات افسانه ای، جن ها و دیوها مبارزه کند. این حماسه برای اولین بار توسط واسیلی رادلووف ترک شناس روسی که او آن را از یک حماسه سرای بی نام و نشان در روستای شامشی شنید، نوشت و سرود. بعدها بهترین نسخه این حماسه به روایت سایاقبای قارالایف حماسه سرای بزرگ نوشته شد و به یکی از منابع اصلی تحقیقات علمی تعدادی از دانشمندان و منتقدان ادبی تبدیل شد. این حماسه با مرور زمان تکامل - یافت و از حماسه پیشاتاریخی در مورد یک قهرمان تنها به داستانی در مورد یکی از شخصیت های حماسه «ماناس» تبدیل شد.

ار توشتوک یک قهرمان منحصر به فرد است. او از پدر و مادری مسن به دنیا می آید، به سرعت رشد کرد و وقتی می فهمد که نه برادرش - بدون هیچ ردی ناپدید شده اند، آنها را پیدا می کند. سپس برای آنها همسری انتخاب می کند. خودش هم ازدواج می کند. سبک و روش - این حماسه را می توان در تمام افسانه های جهان دید - کوچکترین پسر قهرمان می پدر فرزندان در جنگال جادوگری می افند و روح پسرش - را به گرو می گذارد؛ معشوقه قهرمان به او یک اسب جادویی می دهد که نمی از کارها را برای صاحبش - انجام می دهد؛ حیواناتی که قهرمان آنها را نجات می دهد و آنها هم به او کمک می کنند؛ سیکلپ ها، پرندگان آتشین، شروری که روحش در صندوقی روی درخت پنهان است و ...

قورمان بیک:

با «قورمان بیک» نوع جدیدی از حماسه های مردم قرقیز آغاز می شود که در آن قهرمانان نه با شیاطین و جادوگران، بلکه با مهاجمان خارجی می جنگند. از متون حماسه های به جا مانده به راحتی می توان مرحله تاریخی را که مردم در آن دوره در آن به سر می بردند، دریافت که اغلب قهرمانان این حماسه ته از دست دشمنان، بلکه در نتیجه نزاع و خیانت در میان قبیله خود از بین می روند. قورمان بیک، یکی از شخصیت های این حماسه، قهرمان جوان، جسور و جنگجویی است. او یک رهبر واقعی است که توانست مردم را در برابر قالمیق ها که اقلیتی با ریشه نژادی مغول بودند برانگیزد. پیروزی ها او در نبرد با این گروه باعث شهرت او می شود، اما پدرش - نمی تواند با این واقعیت کنار بیاید که اعتبار پسرش در بین مردم بسیار بالاتر از اعتبار اوست. بنابراین به او خیانت می کند و در وقت مناسب اسب قوی را از او می گیرد و اسب ضعیف را جایگزین آن می کند. قورمان بیک که نمی تواند با چنین اسبی از محاصره خارج شود، با تمام وجود می جنگد، اما همه او را ترک می کنند، جز تنها دوستش. این قهرمان تنها در میدان نبرد می میرد و به یکی از دوستانش وصیت می کند که از پسرش مراقبت کند.

جانیش و بایش:

این حماسه در مورد دو برادر قهرمان در قرون ۱۶-۱۷ به وجود آمده است. دو برادر در اوج جوانی با دو دختر آشنا می شوند و با آنها ازدواج می کنند. وقتی حاکم قالمیق ها در سیمای آنها دشمنان قوی را می بیند، جاسوسی را به اردوگاه آنها می فرستد تا با آن دو برادر عهد دوستی برقرار کند. اجرای این نقشه پنج سال طول - می کشد و سرانجام فردی که از سوی حاکم در این مدت موفق به اجرای نقشه خود می شود، در یک نبرد نابرابر یکی از برادران را به اسارت گرفته و دیگری را زخمی می کنند. دختر حاکم به بایش - کمک می کند تا فرار کند و او با برادرش و سربازانی که برای کمک آمده اند متحد می شود و دشمن را شکست می دهد. حماسه هایی از این دست در میان قزاق ها، ازبک ها و مردم جنوب سبیری نیز وجود دارد.

ار تابیلدی

ار تابیلدی جنگجوی نیز مردم قرقیز را از قالمیق ها، دشمنان داخلی و اقوام خائن نجات می دهد. بر خلاف قورمان بیک، ار تابیلدی با حمایت جنگجویان وفادار خود، همه دشمنان را شکست می دهد.

ماناس

حماسه «ماناس» که متشکل از سه بخش «ماناس»، «سیمتی» و «سیتک» است، در فهرست میراث جهانی یونسکو گنجانده شده است. حماسه «ماناس» بزرگترین حماسه جهان است که حجم آن بسیار بیشتر از آثار هومر می باشد.

طبق سوزه این حماسه، دشمنان پس - از مرگ نوگوی خان قرقیزها را از آلا-توو بیرون می کنند و جاقیپ (یعقوب) پسر نوگوی خان مجبور می شود مزدور قالمیق های آلتای شود. او با زحمات زیاد صاحب مال و ملک می شود، اما خداوند مدت طولانی به او فرزندی نمی دهد. بالاخره ماناس زمانی متولد می شود که زاقیپ در آستانه پیری است. ماناس مثل - یک قهرمان واقعی بزرگ می شود و قالمیق های آلتای حاکم دشمن را آگاه می کنند که در میان قرقیزهای سرکش - جوانی سر برافراشته که می تواند در آینده تهدیدی برای تاج و تخت حاکم شود. در ابتدا نیروهای عظیم نسکارا، فرمانده قالمیق تلاش - می کنند ماناس - را از بین ببرند، اما پهلوان جوان موفق به جلب رضایت روسای قبایل می شود و فرمانده قالمیق ها را شکست می دهد. آنگاه نه تنها قرقیزها، بلکه مانچوها و قالمیق ها نیز تحت فرمان او متحد می شوند.

سپس شرحی از قهرمانی های ماناس، شرحی از قهرمانی های باران او می آید که هر یک در خور توجه است. بی دلیل نیست که حماسه «ماناس» مروارید درخشانی در گنجینه قرقیزها است که داستانجنگ هشت نسل - از یک خانواده را برای وحدت اقوام پراکنده و همبستگی ملل و مقابله با تجاوز خارجی را به تصویر میکشد. لذا نمی توان مفاد آن را خیلی خلاصه کرد. ماناس - خیلی بیشتر از سایر قهرمانان حماسه های قرقیزی قهرمانی ها و رشادت ها از خود نشان می دهد. او با دشمنان واقعی مبارزه می کند، سحر و جادو در این حماسه به وفور نیز وجود دارد. به عنوان مثال، دوستش آلامیت با آرو که پری کوهستانی ازدواج می کند و قانیکی، شاهزاده خانم بخارا همسر ماناس می شود که نه تنها زیبا، بلکه زنی باهوش و خردمند است. در حماسه «ماناس» از سبک و اسلوب های تمام حماسه های قبلی استفاده شده است. او ابتدا یک قهرمان تنها است که به خاطر قبیله خود تلاش می کند و سپس - به یک قهرمان بزرگ تبدیل می شود که آزادی به مردمان میهن خود باز می گرداند.

منبع:

<http://worldnomadgames.com/ru/page/Eposy/>


بازی های محلی





آلیش:

آلیش در زبان ترکی به معنای شروع کردن و گرفتن است که کشتی با شال - هم به آن می گویند. این ورزش - کشتی سنتی بسیاری از کشورهای آسیای میانه مانند قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان و لیتوانی است، در برخی استان های ایران از جمله خراسان، گلستان، مازندران، سمنان و چند نقطه دیگر از قدمت زیادی برخوردار می باشد. تاریخچه کشتی آلیش ریشه در گذشته های دور دارد. این نوع کشتی یکی از بازی های ورزشی باستانی قرقیزها است که قدمتی ۶۰۰۰ ساله دارد. شواهدی از کشتی با کمر بند در ورزش - های بومی بیش از ۷۰ کشور اروپا و آسیا وجود دارد، اما ظاهراً کشتی با کمر بند برای اولین بار در حماسه «ماناس» توصیف شده است که در آن قهرمانان حماسی قوشوی و جولوی نوعی کشتی به نام آلاش می گیرند. اپیزود رویارویی این دو قهرمان از نظر تاریخی بسیار ارزشمند است و گواه بر این است که کشتی آلیش به اندازه تاریخ مردم قرقیز قدمت دارد. در قرون وسطی ابو علی سینا تأکید ویژه ای بر اهمیت ورزش بر روح و جسم دارد. دانشمند بزرگ ایرانی از ورزش کشتی با کمر بند نیز یاد می کند. او توضیح می دهد که چگونه دو مرد با گرفتن کمر بندها، یکدیگر را به سمت خود می کشند و هر یک از آنها سعی می کند حریف را بدون رها کردن کمر بندش - به زمین بزند. در حال - حاضر، کشتی با کمر بند نه تنها در آسیای مرکزی، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر جهان نیز به طور فعال - در حال - توسعه است. به همین دلیل ایده ایجاد یک فدراسیون بین المللی در سرزمین آلتوو به وجود آمد.

سالبوورون:

فوم قرقیز سنت شکار گروهی طولانی دارند که به آن سالبوورون می گویند. بی جهت نیست که در فرهنگ عامه می گویند: «شش - هفت ماه است که نیست، انگار شکار طولانی رفته است». شکارچیان با هم جمع می شدند و به شکار چند روزه به کوهستان می رفتند. آنها سوار بر اسب می شدند، عقاب طلایی، سگ شکاری و تیر و کمان را با خود بردند و غذای خود را در طول - مسیر به دست می آوردند. قرقیزها برای چنین شکاری ماهرترین شکارچیان، و قوی ترین اسب ها، عقاب های طلایی و سگ های شکاری را به همراه خود می بردند. برخی ها بر این باورند که کوک بورو، (نوعی بازی محبوب قرقیزها)، از سالبوورون سرچشمه گرفته است. سالبوورون همچنین نوعی آزمون برای شجاعت و مهارت مردان بود. امروزه حتی در برخی از مناطق قرقیزستان کسی که بتواند بدون وسایل شکار (تفنگ، نیز و کمان، سگ و عقاب طلایی) توانایی محافظت از حیوانات اهلی در برابر حیوانات درنده را داشته باشد لقب قهرمان به او می دهند.



اردو:

اردو یکی از محبوب ترین بازی های محلی قرقیزها است که از دوران باستان تا به امروز باقی مانده است. خود کلمه «اردو» به معنای «منزلگاه خان» است. این بازی نبرد آزمایشی برای تصرف مقر خان است. اردو، نوعی نقشه نظامی بود که با کمک آن به سربازان آموزش داده می شد که چگونه می توانند دشمن را شکست دهند. قبل از شروع حمله قلمرو دشمن با رسم دایره ای روی زمین کشیده می شد و فرماندهان ارشد سپاه نقشه جنگی را روی آن طراحی می کردند. اسارت یا کشتن خان به معنای سرنگونی او از تاج و تخت بود. در حماسه «ماناس» سربازان تحت فرمان وی قبل از لشکرکشی به یکن، اردو بازی می کردند و از این طریق خود را برای یک نبرد بزرگ مهیا می کردند.





ارانش:

ارانش کشتی سنتی سوارکاران است. در این بازی تلاش - دو حریف بسیار زیاد است تا حدی که بتوانند اسب خود را بر روی پاهای عقب نگه دارند، لذا این بازی، شجاعت، سرعت و مهارت زیادی را می طلبد. در زمان های قدیم پرورش - جسم، بخش - جدایی ناپذیر زندگی مردم قرقیز محسوب می شد. حملات نظامی پی در پی که برای از میان برداشتن قرقیزها در زمان های مختلف انجام شده، شیوه زندگی عشایری و روحیه جنگجویی را در آنها پرورش داد تا مردان این منطقه از شجاعت، قدرت و چابکی خاصی برخوردار باشند. از نظر قرقیزها، زندگی عشایری بدون اسب غیر قابل - تصور است. اسب سواری یکی از مهم ترین بخش - های فرهنگ قرقیز است و در قرقیزستان گفته می شود که «اگر شما فقط یک روز فرصت برای زندگی کردن دارید، حداقل نبمی از آن باید روی زین اسب باشد».



آت چایش:

اسب در قاموس و فرهنگ قرقیز نقش منحصر به فردی دارد. تعدادی از ضرب المثل‌هایی که قرقیزها ساخته‌اند در آن به اسب نقش محوری داده‌اند. زندگی و سرگرمی قرقیزها با اسب عجین بوده است. آت چایش (اسب دوانی) نه تنها سرگرمی بود، بلکه اهمیت اجتماعی و سیاسی داشت، چرا که در جریان برگزاری مسابقه، بسیاری از مسائل و منازعات قومی بین قبایل و طوایف حل و فصل می‌شد. داستان «سوگواری کوکوتی» از حماسه «ماناس»، گواهی است بر اهمیت آن. بی دلیل نیست که اسب به عنوان یک حیوان نمادین هنوز هم در فرهنگ مردم قرقیزستان از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.



توغوز قور غوول:

بازی توغوز قور غوول که به معنای «۹ مهره» است، از خانواده بازی‌های منقله (دسته‌های از بازیهای تخته‌ای است که در آفریقا، خاور میانه، و آسیای میانه رواج دارد). در این بازی، تلاش بازیکن برای به دست آوردن هرچه بیشتر مهره است. در این بازی از مهره‌های گرد کوچک استفاده می‌شود، اما چرا از ۹ مهره؟ زیرا عدد ۹ نزد اقوام ترک کوچ نشین از جمله قرقیزها عدد مقدس است. بازی توغوز قور غوول در قزاقستان با نام توغیز قومالاق و در ترکیه به دوکوز کومالاک شناخته می‌شود. قوانین بازی‌ها در همه کشورهای مزبور یکسان است و فقط نام آنها متفاوت هستند. قرقیزهای مبارز در زمان صلح توغوز قور غوول بازی می‌کردند و مهارت خود را در تفکر راهبرد نظامی توسعه می‌دادند. بنای این بازی بر غلبه بر نیروها، ثروت و املاک دشمن بود. علاوه بر این، هر مهره نماد یک جنگجو است. تفاوت دیگر توغوز قور غوول با سایر بازی‌های منقله این است که طبق قوانین بازی، یکی از نه مهره باید در چاله خودش باقی بماند که این خود به نوعی حفظ وصیانت از کانون خانواده در زندگی اجتماعی اقوام عشایر ترک است.



کوک بورو (بُزکشی):

کوک بورو یا بُزکشی از زمان چنگیزخان مشهور بوده است. این ورزش که در طی آن رقابت کنندگان تلاش می کنند تا جسد یک بز را به دایره امتیازات بکشانند در سراسر آسیای میانه بسیار پرطرفدار است. کوک بورو به معنای «گرگ آبی» است. منشأ این بازی عجیب ریشه در گذشته های دور دارد. هنگامی که مردان برای تغذیه خانواده های خود به صید شکار می رفتند، حفظ و نگهداری احشام با بزرگان و زنان بود، چرا که در غیبت مردان جوان اغلب گرگ ها به گوسفندان حمله می کردند و خسارت زیادی به مردم وارد می شد. در بازگشت از شکار، مردان پس از آگاهی از این موضوع، خشمگین سوار بر اسبان چابک و تیزرو به تعقیب گله گرگان می پرداختند و پس از رسیدن به آن، گرگ در حال فرار را از روی زمین برمی داشتند و به سمت یکدیگر پرتاب می کردند. روایت جالب دیگری نیز وجود دارد که در حین برگزاری مسابقه، یک گرگ زنده در مقابل سوارکاران رها می شد تا آنها آن را گرفته و به یورت (خیمه) رئیس قبیله بیاورند. در صورتی که یکی از مردان موفق به گرفتن گرگ زنده با دستن خالی می شد، آن را تحویل رئیس قبیله می داد و جایزه ای به او اهدا می شد. هدف اصلی برگزاری این مسابقه، تاکید بر فراگیری شیوه های مبارزه و القاء ویژگی های شجاعت و دلاوری در میدان واقعی جنگ، و هدف فرعی آن سرگرمی بود.

منبع:

<http://worldnomadgames.com/ru/page/Legendy-po-igram/>

جاذبه های گردشگری





استان چوی

- شهر بیشکک:

بیشکک پایتخت قرقیزستان است. این شهر بزرگترین مرکز جمهوری قرقیزستان محسوب می شود. حوزه های مختلفی در اینجا توسعه یافته است: صنعت، حمل و نقل، فرهنگ. بیشکک از توابع استان چوی محسوب می شود. این شهر توسط کوهپایه های تین شان مانند یک دیهیم احاطه شده است. فضای سبز، اگرچه به فراوانی دوره قبل از اتحاد شوروی نیست، اما همچنان پوشش سبز، طراوت و شادابی خاصی به شهر داده است. در هزاره ۵-۴ قبل از میلاد این منطقه سکونتگاه اولیه مردم بدوی در قلمرو بیشکک بود، اما پیدایش شهر به مرور زمان به لطف جاده ابریشم شکل گرفت. در محل شهر، کاروانسرای قبیله «سولتو» قرار داشت که «بیشکک»، پهلوان نامدار نماینده آن بود. این کاروانسرا در قرون هفتم تا دوازدهم در محل پایتخت کنونی شهر جول-واقع بود. تا زمان ناپدید شدن جاده ابریشم شهرهایی در این قلمرو وجود داشتند و از قرن شانزدهم این قلمرو دوباره به محل-کوچ قبایل-عشایری تبدیل-شد. در زمان حکومت خوقند-در سال ۱۸۲۵-به دستور محمد علی خان قلعه ای در قلمرو بیشکک امروزی ساخته شد. این قلعه به بزرگترین پاسگاه در منطقه چوی تبدیل-شد و پادگان مستقر در آن خراج را از کاروان های عابر جمع آوری می کرد. با این حال-به مرور زمان قرقیزها تابع روسیه تزاری شدند و این قلعه بارها مورد حمله قرار گرفت و توسط نیروهای روسی تصرف شد. در سال ۱۸۶۲ قلعه بار دیگر ویران شد و به جای آن، پایگاه کازاک ها با ایجاد یک بازار تأسیس شد. سپس در سال ۱۸۶۸ روستای پیشیک در محل قلعه تأسیس-شد که پس-از گذشت سال ها، در ۲۹ آوریل ۱۸۷۸ به شهر تبدیل شد. پس از فروپاشی رژیم تزاری، بلشویک ها و سوسیالیست ها به قلمرو قرقیزستان آمدند. ۲۴ آوریل ۱۹۲۴ شرکت تعاونی چکسلواکی «اینترگلیو» وارد بیشکک شد و شروع به احداث شهر جدید کردند. این شهر ابتدا به مرکز اداری استان خودمختار قره قرقیز، سپس-به مرکز استان خودمختار قرقیز و از سال-۱۹۳۶ به پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی قرقیزستان تبدیل شد. در این زمان، این شهر به افتخار فرزند فرزانه خود میخائیل فرونزه، از رهبران بلشویک روسیه پیش-از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بود به نام فرونزه نامگذاری شد. بعدها خانه او تبدیل به موزه شد اکنون در یکی از خیابان های بیشکک موزه ای به نام او ساخته شده است. نام فرونزه به عنوان پایتخت کشور (در آن زمان) از آن جهت مهم بود که تنها وی قهرمان بود، بلکه به این دلیل کلمه «فرونزه» در زبان رومانیایی به معنای «سبز» است. فرونزه واقعاً شهر سرسبزی بود. ۱ فوریه ۱۹۹۱ بر اساس فرمان شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی قرقیزستان، این شهر دوباره به بیشکک تغییر نام یافت و به قرقیز یا به جمهوری قرقیزستان به عنوان یک کشور مستقل تبدیل شد.



استان چوی که شهر بیشکک در آن واقع است، پر از رمز و راز است. این قلمرو تقریباً از عصر حجر مسکونی بوده است و بنابراین یافتن گنج در اینجا امری عادی است. اساساً یافته های باستان شناسان در دره چوی سکه های برنزی، نقره ای و طلایی، بقایای لوازمات خانه، کوزه ها، نوک پیکان ها و ... متعلق به اوایل - قرون وسطی تا قرن سیزدهم است. در دهه ۱۹۷۰ در روستای گراستایا چکا یک گنج ارزشمند ۳۰ کیلوگرمی پر از درهم های قراخانی و بار دیگر در این مکان در دهه ۱۹۸۰ سکه هایی دوران سلطنت چغتای مربوط به قرن چهاردهم پیدا شد. بسیاری از یافته های باستان شناسی را می توان در نزدیکی برج بورانا یافت که نزدیک توکموک است. زمین اطراف آن پر از تپه ها است، اما افسوس که ۹۹ درصد آن به مرور زمان تاراج شده است. بقایای یک شهرک جالب نه چندان دور از بیشکک وجود دارد که اکنون قاراجیغاچ نام دارد و در گذشته به آن ترساکننت، یعنی «شهر کافران» می گفتند چون مسیحیان در آن زندگی می کردند. در آنجا بیش از ۶۰۰ سنگ قبر با اسامی و نمادهای مسیحی پیدا شده است. این شهر توسط امیر تیمور لنگ ویران شد.



- آتابیت:

بسیاری از مردم بر این باورند که رهبران روشنفکران قرقیزستان سرکوب شده‌اند، اما محل دفن آنها برای مدت طولانی برای کسی ناشناخته بود. بر اساس متون بر جا مانده تنها شاهد قتل عام روشنفکران قرقیزی مردی بود که در واپسین روزهای حیاتش محل دفن اجساد را به فرزند دخترش اطلاع داد، فرزند وی نیز مدت‌ها از گفتن این راز خودداری کرد، اما سرانجام محل دفن اجساد را که در کوره‌های آجر پزی سوزانده شده بودند را به اطلاع مردم رساند. در قرقیزستان دوره اتحاد شوروی هزاران نفر سرکوب و قتل عام شدند که در میان آنها بسیاری از چهره‌های فرهنگی، مشاهیر ادبی و سیاستمداران آن زمان مانند قاسم تینیستونوف، بایالی ایساکیف، یوسف عبدالرحمانوف، توروقول آیتماتوف (پدر جنگیز آیتماتوف نویسنده نامدار قرقیز) دیده می‌شود. لازم به ذکر است بیکر نویسنده مشهور، جنگیز آیتماتوف که در سال ۲۰۰۸ چشم از جهان فرو بست نیز در آرامگاه هنرمندان (گورستان آتابیت) به خاک سپرده شد. امروزه مجتمع یادبودی به نام آتابیت به منظور گرامیداشت یاد و خاطره قربانیان کشتار روشنفکران قرقیزستان ساخته شده است.





استان تالاس

- شهر تالاس:

شهر تالاس مرکز اداری استان تالاس است که در دشت سیلابی رودخانه تالاس واقع شده است. این شهر در سال ۱۸۷۷ تأسیس شد، زمانی که مهاجران روسی و اوکراینی در نواحی ساحلی این منطقه مستقر شدند. پیش از آن در قرون وسطی در این منطقه شهر تکابکت قرار داشت. نبرد تالاس - بین اعراب و امپراتوری تانگ از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که آخرین نبرد نظامی مستقیم میان ارتش اسلام و چینی ها بود و پس از فتح قرقیزستان به دست مسلمانان، نفوذ چینی ها در آسیای میانه برای همیشه پایان یافت و پس از اسلام آوردن بیشتر قبایل ساکن آسیای میانه این مناطق رنگ اسلامی به خود گرفت و بعدها مرکز علم و تمدن اسلامی شد و علمایی مانند امام محمد بن اسماعیل بخاری، امام ترمذی، امام ابوحنیفه و دیگران را به جهان اسلام تقدیم کرد. پس از این نبرد، اسلام به شکل گسترده ای در آسیای میانه منتشر شد و اندیشه های ضد اسلامی چینی ها از این مناطق محو شد. این نبرد همچنین تأثیر بسیاری در تثبیت ارکان دولت اسلامی فراسوی آسیای میانه داشت و در پی آن همه بر این باور بودند که ارتش اسلامی ارتشی شکست ناپذیر است و قبایل مخالف از حمله به سرزمین های اسلامی ترس و واهمه داشتند. بنابراین نبرد تالاس نه تنها یک فتح بزرگ در آسیای میانه بلکه در ممالک مجاور آن نیز به ش

مار می آید (امید بیجاری، ۲۰۱۹).





- گنبد ماناس:

ماناس قهرمان اصلی مردم قرقیزستان است که به افتخارش حماسه بزرگی خلق شده است. چنگیز آیتماتوف نویسنده نامدار قرقیز آن را «مانند اقیانوس خروشان» توصیف کرده است. حماسه «ماناس» بیانگر نگرش مثبت قرقیزها به سایر مردم ها در سراسر جهان است. قانیک (همسر ماناس) شاهزاده بخارا و آلامت (نزدیک ترین دوست ماناس) هل کشور چین بود. علاوه بر این، ماناس یک قهرمان غیر داستانی است. به احتمال زیاد، شخصیت او بر اساس شخصیت واقعی بارش بیک، یکی از حاکمان قدرتمند قرقیزها نوشته شده که از استقلال مردم خود دفاع می کرد او شخصیتی منحصر بفرد بود که برای سایر حاکمان دیگر قابل احترام بود، حتی حاکمان چین. اما شخصیت آلامت چینی بهترین دوست ماناس احتمالاً بر اساس شخصیت لی لین فرمانده چینی باستانی ایجاد شده است، که زمانی به عنوان فرماندار قرقیزها منصوب شد، روابط خوب او با قرقیزها تأثیر به سزایی در راه کسب استقلال قرقیزها داشت. از حماسه ماناس به عنوان نماد ملی تجلیل می شود. در بیشکک یک خیابان، یک فرودگاه و یک دانشگاه و در سایر شهرهای کشور میادین مرکزی به نام ماناس نامگذاری و مجسمه های او نصب شده است. دره زیبای تالاس مفر اصلی این قهرمان بوده و آرامگاه وی در این مکان قرار دارد، مکانی که مورد احترام قرقیزهاست و آن را گنبد ماناس می خوانند.





- شهر نارین:

شهر نارین نیز مانند تالاس در ساحل رودخانه قرار دارد که به همان نام یعنی نارین نامگذاری شده است. رودخانه نارین از دره های کوهستانی مرتفع و تنگه های استان های ایسیک کول و نارین سرچشمه می گیرد، از استان جلال-آباد عبور می کند و با ادغام با قره دریا در حومه شرقی دره فرغانه، رودخانه بزرگ سیر دریا را تشکیل می دهد. به دلیل نزدیکی شهر نارین به مرز چین (۲۰۰ کیلومتر) به آن محل، ورود به دروازه های چین می گویند. علاوه بر این، نارین سردترین شهر قرقیزستان است. زمستان در این منطقه سخت طاقت فرست و تا اواخر ماه مه ادامه می یابد. قلمرو اصلی استان نارین از رشته کوه های پوشیده از جنگل ها، بیابان ها و دریاچه ها تشکیل شده است. نارین نقطه شروع بسیاری از مسیرهای گردشگری است. نارین در مسیر تجاری منتهی به کاشغر ساخته شد، اما تولد رسمی آن به سال ۱۸۶۸ نسبت داده می شود، زمانی که یک شهرک نظامی برای استقرار سربازان روسی در این مکان تشکیل شد. در مرکز شهر، بنای یادبودی به یاد قربانیان درگیری مسلحانه در سال ۱۹۲۰ بین بلشویک های کمونیست و مخالفان سرسخت آنها می باشد که با لقب سفیدها مشهور هستند.





- تاش ریاط:

در گذرگاه آنباشی به آقسای، در منطقه نه چندان دور از مرز قرقیزستان با چین، کاروانسرای باستانی ناش-ریاط قرار دارد. این شاید بهترین سازه حفظ شده از زمان های دور در این منطقه باشد که با ورود به آن به قرن ها پیش منتقل می شوید. این کاروانسرا در قرن پانزدهم ساخته شده است. در زمان های دور کاروان های تجاری کشورهای مختلف هنگام عبور از این منطقه در این محل-استراحت می کردند. این کاروانسرا از بلوک های سنگی ساخته شده که هنر معماران چیره دست در ساخت آن مشهود است. ناش-ریاط دارای چندین گنبد و ۴۰ اتاق مهمان است. علاوه بر این یک تالار مرکزی در این کاروانسرا ساخته شده است. ناش-ریاط در تنگه زیبای قارا قویون در استان نارین واقع شده است و یکی از جاذبه های دیدنی قرقیزستان است.



- سون کول:

استان نارین با چشماندازهای زیبا و رویایی و طبیعتی مسحور کننده خود از مناطق بکر کشور قرقیزستان محسوب می شود. دریاچه ها و رودخانه های متعددی در این استان جاری است. از دریاچه "سون کول" به عنوان عروس منطقه نام برده می شود. این مکان در یک منطقه حفاظت شده واقع شده است. نزدیکترین مکان مسکونی در آن روستای چاپک است. این دریاچه یک مکان ایده آل-برای استراحت گردشگرانی است که از هیاهوی زندگی شهری خسته شده اند. دریاچه سون کول برخلاف ایسپک کول- که هرگز یخ نمی زند، از سپتامبر تا ژوئن منجمد است. گردشگرانی که به این منطقه سفر می کنند، می توانند به دور از زندگی شهری از اقامت در خیمه های عشایری؛ مناظر کوهستانی با شکوه؛ چشمه های معدنی شفابخش؛ هوای پاک کوهستانی و سواحل زیبا لذت ببرند.



- قوشوی قورغان:

قوشوی قورغان بقایای شهر باستانی آتباش است که در استان نارین در ۱۲ کیلومتری روستای آتباشی قرار دارد. قوشوی قورغان خرابه های یک شهر مستحکم است که در اوایل قرون وسطی در مسیر کاروان های تجاری قرار داشت. طبق روایات عامیانه، این اماکن با نام «قوشوی» پهلوان، یکی از شخصیت های برجسته قوم قزقیز مرتبط است که از او به عنوان یکی از مشاوران مورد وثوق ماناس نام برده می شود. بر اساس باورهای رایج، وی قلعه ای را در این منطقه ساخت تا مردم را از حملات ویرانگر دشمنان نجات دهد.



- چاتیر کول:

چاتیر کول یک دریاچه ای بهشتی است که بین رشته کوه های آتباشی و توروگارت قرار دارد. آب حدود ۱۷ رودخانه به سمت دریاچه سرریز می شوند. چاتیر کول تنها دریاچه ای است که فاقد ماهی است. این دریاچه پوشیده از جنگلی باشکوه و تنوع جانوری است که از کاج نوئل، نین شان، ارس ترکستانی، خولان دریایی، اقدرا و بسیاری از گیاهان دارویی تشکیل شده است.

استان اسپیک کول

- اینیلچک:

گزینۀ کاملاً متفاوت از ساحل دریاچه اسپیک کول، قله ای به نام اینیلچک است که یک رشته کوه در تین شان مرکزی با ارتفاع ۵۶۹۷ متر می باشد. این منطقه دارای یخچال های طبیعی، دریاچه ها و طبیعت چشم نوازی است. در این رشته کوه پایگاه کوهنوردی «اینیلچک جنوبی» در ارتفاع ۴۰۰۰ متری از سطح دریا وجود دارد. این پایگاه نقطه شروع کوهنوردان برای صعود به قله خان تنگری و قله پوبدا و همچنین نقطه پایانی برای گردشگرانی است که سفر خود را در جرجالان، آت جایلوو و اچکیلیناش آغاز کرده اند.





- تیلوفر مقدس:

بر روی یکی از تخته سنگ های تنگه تمغا که در ساحل- جنوبی قرار دارد، عبارت "Om mani padme hum" نوشته شده است، یعنی «گل نیلوفر مقدس- زنده باد». این دعای تبتی که مربوط به قرن ۸-۹ م است، میراث به جای مانده بودایی هایی است که در اوایل قرون وسطی در این سرزمین زندگی می کردند. این تخته سنگ ها توسط بودایی ها مورد احترام قرار می گرفت و به عنوان مکان مقدس محسوب می شد.



- بارُسکوون:

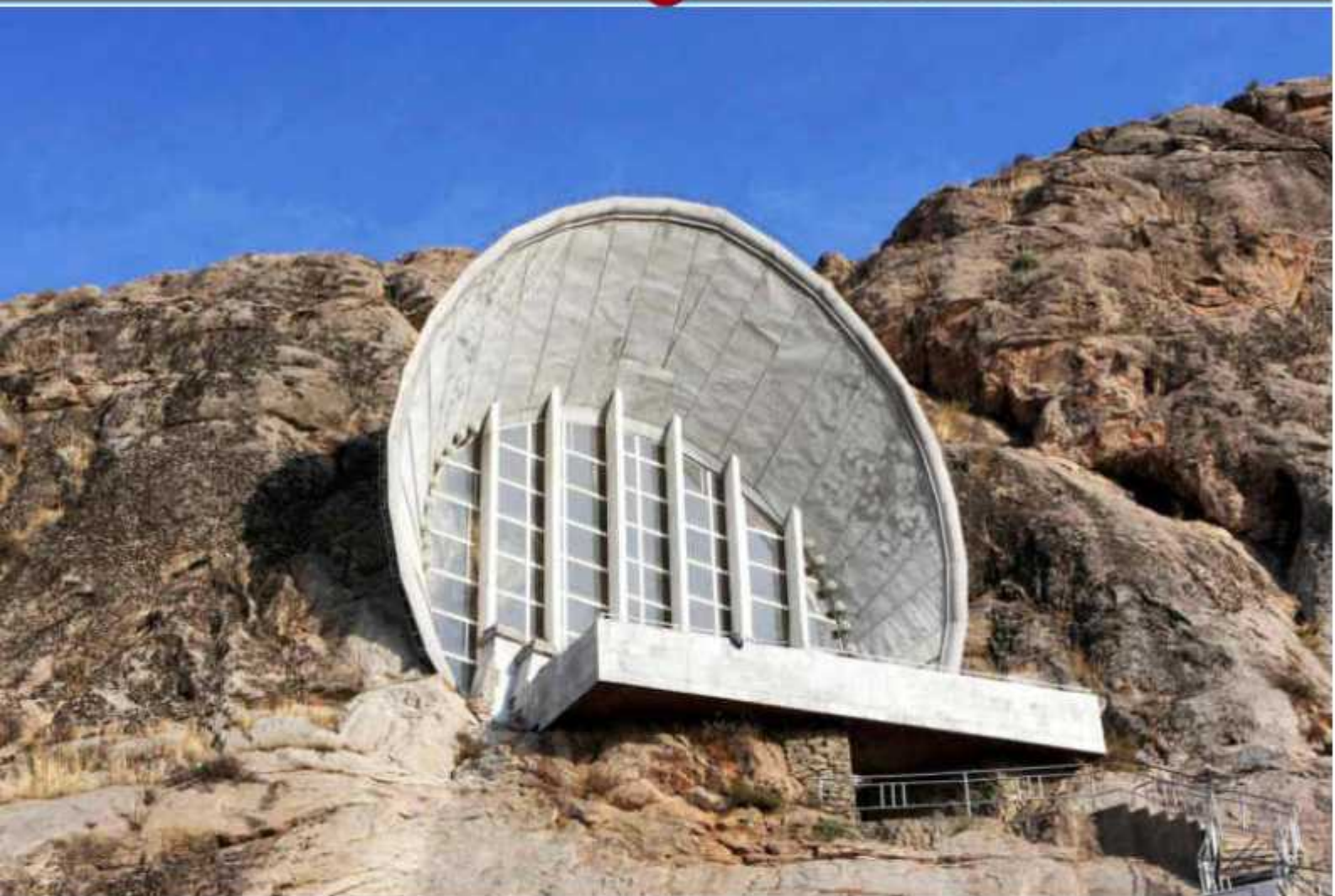
در قرون وسطی در نزدیکی روستای کنونی بارُسکوون شهر بارُسخان وجود داشت. ظاهراً جاینام «بارُسخان» با نام ایل- بارُسخان مرتبط است، زیرا در اوایل قرون وسطی در مجاورت ایسیک کول ایل بارُسخان به همراه سایر اقوام و طوایف ترک زبان زندگی می کردند. در قرن های دهم و یازدهم شهر بارُسخان مقر یکی از فرماندهان دولت قراخانیان بود. پدر محمود کاشغری (بارُسخانی) ترک شناس برجسته، والی خاقان قراخانی در این منطقه بود و محمود کاشغری در این شهر متولد و بزرگ شد. محمود به دلیل- تغییر اوضاع سیاسی و تشدید درگیری های داخلی که در نتیجه آن پدرش، حسین کشته شد، به کاشغر رفت. والدین ابن دانشمند بزرگ از خاندان حاکم قراخانیان بودند. شهر بارُسخان پس از حمله مغولان ویران شد.



استان اوش

- اوش:

اوش قدیمی ترین شهر قرقیزستان است که در سال ۲۰۰۰، سه هزارمین سالگرد خود را جشن گرفته است. این شهر در دره حاصلخیز فرغانه واقع شده و در مرکز آن، کوه مقدسی به نام سلیمان توو وجود دارد که هزاران سال -مورد پرستش- بوده؛ هنگام بازدید از این مکان زنانی را پای کوه می یابید که ایمان دارند با عبادت این مکان، شانس خود را در تولد کودکان سالم بالا- می برند. این منطقه از جمله نمونه های عالی برای سنت های قدیمی جاده ابریشم است که باورهای ما قبل تاریخ، ما قبل اسلام، در یک مکان مقدس جمع شده است. برخی افسانه ها بر این باورند که زمانی تخت سلیمان در این مکان قرار داشته حتی عده ای پا فراتر گذاشته و مدعی هستند که سلیمان در این مکان دفن شده است. یکی دیگر از مکان های مهم در اوش -مسجد متعلق به قرن شانزدهم است که مربوط به دوران امپراطوری مغول است. اوش پایتخت جنوبی قرقیزستان و قدیمی ترین شهر این کشور است و تاریخ سه هزار ساله دارد. شهر اوش -دارای تاریخ غنی است. بر اساس تحقیقات باستان شناسی در دامنه های سلیمان توو، در هزاره اول -قبل- از میلاد سکونتگاه های باستانی قرار داشتند و ژانگ جیانگ مسافر و سفیر چین باستان در پایان قرن دوم قبل از میلاد در دفنر خاطرات خود نوشته است که در محل -شهر فعلی شهر گویشان چن قرار داشت که به معنای «شهر نزدیک کوه مقدس» است. در قرن اول قبل از میلاد شهر باستانی اوش -که آن زمان گویشان چن نام داشت، پس از شکست شهر ارشی پایتخت سابق به دست ارتش خان، پایتخت جدید دولت دایوان شد. در قرون وسطی شهر اوش در آثار نویسندگان عرب و فارس ذکر شده است. اوش در جاده ابریشم قرار و نقش مهمی در تجارت بین المللی داشت. این شهر اهمیت خود را به عنوان یک مرکز مهم فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی در قرون بعدی حفظ کرد.



- سلیمان توو:

کوه مقدس سلیمان توو در طول سال ها تنها میراث قرقیزستان در فهرست میراث جهانی یونسکو بود. ریشه نام این کوه به نام حضرت سلیمان بر می گردد. روایت دیگری وجود دارد که گفته می شود حضرت سلیمان هنوز در یکی از غارهایی که در این کوه وجود دارد، نماز می خواند و بر روی سنگ ها نقش پیشانی و زانوی ایشان باقی مانده است. اکنون تپه قلعه های آق بشیم (سویاب)، کراسنایا رچکا (نواکت) و بورانا (یلاساغون) در این فهرست قرار دارند. در بالای سلیمان توو خانه ای وجود دارد که در قرن شانزدهم به دستور بابر فرمانروای تیموری فرغانه ساخته شده است. در دوران اتحاد شوروی این خانه ویران شد، اما در سال های اصلاحات پرسترویکا به دستور گورباچف بازسازی شد، علاوه بر مساجد زیبا و باستانی متعدد، جالب ترین شیء موجود در این منطقه، صخره صورت تاش است که بر از نقاشی بر روی سنگ نگاره هاست. در این کوه، آثار تاریخی زیادی وجود دارد که مربوط به قرن شانزدهم است، از جمله مسجد «تخت سلیمان». این مسجد در قله شرقی سلیمان ساخته شده و بیش از ۴۰۰ سال قدمت دارد و در سال ۱۹۵۰ نام خانه «بابر» را برای آن انتخاب کردند. در سال های بعد یعنی در سال ۱۹۶۰ این مسجد تخریب، ولی در سال های ۱۹۹۱-۱۹۸۹ مجدداً با کمک مردم منطقه بازسازی شد.



- اوزگن:

مجموعه معماری و باستان شناسی اوزگن یکی از دیدنی های قرقیزستان است. این شهر مرفی با قلعه ای بزرگ بود که در جاده ابریشم در مسیری که از چین به شرق مدیترانه منتهی می شد، ساخته شده بود. در قرن یازدهم، اوزگن، اولین پایتخت خاقانات قراخانی غربی شد و پیش از آن مقر ابو الحسن نصر، شاهزاده قراخانی حاکم استان فرغانه بود. این شهر در دره زیبای اوزگن قرار داشت و دارای خیابان های زیبا، باغ های سرسبز، میدان بازار، کاروانسراها و حمام ها بود. این شهر در قرون وسطی از مراکز مهم تجاری در مسیر آسیای مرکزی به کاشغر بود. این مکان در قرن دوازدهم، دومین پایتخت دولت قراخانی بود. آثار تاریخی آن یک میراث تاریخی و فرهنگی منحصر به فرد است. مناره ای به ارتفاع ۴۴ متر در اوزگن وجود دارد که در آغاز قرن دوازدهم، زمانی که شهر، پایتخت خاندان قراخانی بود، ساخته شد. آرامگاه خاندان قراخانی در این مقبره به خاک سپرده شده اند. در این شهر مدارس و مساجد زیادی وجود داشت اما اکنون تنها یک مناره و سه مقبره به عنوان بهترین نمونه های معماری مسلمانان آسیای مرکزی از آن باقی مانده است. قدمت قدیمی ترین مقبره این منطقه به اوایل قرن یازدهم باز می گردد. مناره اوزگن با آجر ساخته شده است. مقبره شمالی سال های ۱۱۵۳-۱۱۵۲ و مقبره جنوبی سال های ۱۱۸۷-۱۱۸۶ ساخته شده است و هر دو با ستون ها و طاق های نوک نیز تزئین شده اند.





استان جلال آباد

- جلال آباد:

شهر جلال-آباد در دامنه کوه ایوب بولاق قرار دارد و در نزدیکی آن رودخانه کوگارت جاری است. این شهر در منطقه ای حاصلخیز با آب و هوای گرم واقع شده است. جلال آباد نیز مانند بیشکک و اوش به لطف قرار گرفتن در جاده ابریشم بنا شده است. در ابتدا جلال آباد فقط یک روستایی در نزدیکی چشمه های شفابخش بود، اما با گذشت زمان این شهر در مسیر رشد و ترقی قرار گرفت کرد. در پایان دهه ۱۸۷۰ اولین مهاجران روسی به این منطقه مهاجرت کردند و یک بیمارستان نظامی ساخته شد. سال ۱۸۷۶ جلال آباد به عنوان بخشی از ناحیه خوقند استان فرغانه امپراتوری روسیه به رسمیت شناخته شد. جلال-آباد به چشمه های شفابخشش معروف است. مسافران و جهانگردان به خواص درمانی این چشمه ها اعتقاد راسخی داشتند. در دوره اتحاد شوروی، آسایشگاه های جلال-آباد به خاطر وجود آب های معدنی و لجن درمانی شهرت داشتند.





- ارسلان باب:

ارسلان باب در دامنه رشته کوه فرغانه و چانکال واقع شده است. عمده شهرت این منطقه وجود جنگل - های خیره کننده درخت گردو است که در مجموع ۶۰۸۵ هزار هکتار را اشغال می کند. در این منطقه بالغ بر ۱۳۰ گونه درخت و درختچه منحصر به فرد گردو، پسته، بادام، گلایی، آلبالو و... می روید. از این جنگل - به عنوان بهشت میوه نام برده می شود. قرقیزها می گویند که اسکندر مقدونی در بازگشت از لشکرکشی به شرق از همین جنگل، گردو با خود به یونان برد که بعدها در اروپا مشهور شد.





– ساری چلک:

«ساری چلک» در زبان قرقیز به معنای «سطل زرد» می باشد. علت نام گذاری این دریاچه، آن است که ساری چلک در فصل پاییز به فنجانی از عسل شباهت دارد، گرچه رنگ آن در تابستان سبز مایل به آبی است که علت این تغییر رنگ، انعکاس درختان و پوشش گیاهی اطراف آن در آب می باشد. دریاچه ساری چلک قرن ها پیش در نتیجه ریزش کوه شکل گرفت و در اطراف آن جنگل های وحشی گردو و مبله رویدند. طبیعت منحصر به فرد این منطقه در سال ۱۹۵۹ ذخیره گاه طبیعی اعلام شد و به لطف این اقدام گیاهان و جانوران کمیاب آن حفظ شدند. در قلمرو پارک ساری چلک می توان گونه های مختلف حیوانات مانند گوزن، خرس، سیاه گوش، و حتی پلنگ برقی را دید. شکار در این منطقه ممنوع است. دامنه های شمالی این منطقه توسط دولت محافظت می شود. خاک منجمد و کوهستان های مرتفع زیادی در این منطقه وجود دارد. ساری چلک، با عمقی به اندازه ۲۴۱ متر، سومین دریاچه عمیق آسیای میانه است.

منبع:

<http://worldnomadgames.com/ru/page/Dostoprimechatelnosti/>



